

سلفی گری چیست؟



محمد تقی صرفی پور



مقدمه

بعد حمد و سپاس الهی و صلوات و درود بر سیدالانبیاء والمرسلین محمد
مصطفی و اهل بیت طاهرینش

از جمله گروههای منحرف در اسلام که ضربات شدیدی به پیکره اسلام
وارد کرده و می کنند سلفی گری هست.

که البته اینها به دو دسته تکفیری(مانند داعش) و غیر تکفیری(مانند
اخوان المسلمین) تقسیم می شوند.

عمده عقاید آنها این است که باید همان روش های زندگی خلیفه اول و
دوم و اصحاب و تابعین را ما الان در بین مسلمانان احیا کنیم!

سَلَفِیّه یا سَلَفی گری اندیشه و جریانی اجتماعی و مذهبی میان اهل سنت است که راه حل مشکلات مسلمانان را پیروی از شیوه سَلَف (مسلمانان متقدم) می داند. سلفیه با استناد به حدیثی از پیامبر اسلام (ص)، سه قرن نخستین اسلامی را بهترین قرون اسلامی تلقی می کند و برای کسانی که در این دوره زندگی کرده اند، مرجعیت فکری قائل است.

به باور سلفیان، قرآن و سنت پیامبر تنها با تفسیر صحابه، تابعین و تابعین تابعین معتبر است. آنها عقل را حجت نمی دانند و برای فهم آموزه های دینی تنها بر آیات قرآن و احادیث تکیه می کنند.

طبق برداشت سلفیه از اصل توحید، بسیاری از مسلمانان مشرک اند. ابن تیمیه، ابن قیم جوزیه، محمد بن عبدالوهاب، محمد شوکانی و رشیدرضا از مهمترین نظریه پردازان سلفیه هستند. مشهورترین جریان های سلفی معاصر هم عبارت اند از: وهابیت، اخوان المسلمین و دیوبندیه.

برخی بر این باورند که برپایه اعتقادات سلفیه، گروه‌های جهادی و تندرویی همچون طالبان، القاعده و داعش شکل گرفته که بسیاری از مسلمانان را کافر و جهاد با آنان را وظیفه خود می‌دانند و عده زیادی از مسلمانان شیعه و اهل تسنن را قتل‌عام کرده‌اند.

چند نکته بسیار مهم :

پیامبر(ص) فرمود: هر کسی شهادتین گفت خون و مال و آبرویش محترم است. اگر این تکفیری‌ها که نام پیامبر را روی پرچم‌هاشون می‌زنند به همین حدیث عمل کنند خون از دماغ یک مسلمان بی‌جهت ریخته نمیشود ولی اینها در بعضی جاها انقدر از مسلمانان بی‌گناه کشتند که جوی خون راه افتاد.

نکته دوم اینکه اینها چون امام ندارند و اعتقادی به ولایت امیرالمومنین علی علیه السلام ندارند دچار انحراف اعتقادی شده‌اند و علاوه بر کشتار مسلمانان، باعث شده‌اند که نسبت به اسلام نگاه منفی در بین مردم غیرمسلمان ایجاد شود و حتی افرادی خواستند مسلمان شوند با دیدن این وحشی‌گری‌های گروه‌های تکفیری، نسبت به اسلام بدبین شوند و

اسلام را مساوی بر ادم کشی و تروریسم بدانند و اینهم گناهی
نابخشودنی است.

نکته دیگر اینکه پشت پرده همه این فرقه ها استکبار جهانی قرار دارد! و
بنیان گذار اصلی اینها صهیونیست جهانی است. که در کتاب خاطرات
مستر همفر درباره تاسیس وهابیت بدست انگلیس مطالب غیر قابل
انکاری آمده است. و درباره داعش هم که خانم کلینتون اعلام کرد ما
داعش را بوجود آوردیم!

در این کتاب پیرامون عقاید و اعمال آنها مطالب متنوعی آورده میشود.

اذرماه 1402. کرمانشاه

سلفی گری چیست؟

یکی از انحرافات بزرگ در اسلام پیدا شدن سلفی گری می باشد. سلفی ها ادعا می کنند که از اصحاب پیامبر و تابعین آنها تبعیت می نمایند. خلاصه افکار و عقاید آنها بشرح زیر می باشد:

ویژگی های فکری

برخی از ویژگی های سلفیان عبارت اند از:

تأکید بر نقل و تضعیف عقل

سلفیان، نقل (آیات قرآن و احادیث) را بر عقل ترجیح می دهند. به نظر ابن تیمیه پیشوای سلفیان، جز قرآن و سنت راهی برای شناخت آموزه های دینی از جمله عقاید و احکام وجود ندارد. او معتقد است که استدلال های عقلی به صورت مستقل اعتبار ندارند و نقش آنها تنها [تصدیق و اعتراف به محتوای متون دینی و تقویت آنها است]. ۴

ظاهر گرایی

سلفیان، تنها به ظاهر آیات قرآن استناد می‌کنند و هیچ تأویل و تفسیری از آیات قرآن را درست نمی‌دانند. برای مثال برپایه آیه «الرحمن علی العرش استوی» که معنای ظاهری آن این است که خدا بر تختی قرار گرفته است، [۵] می‌گویند **خدا واقعاً تختی دارد که بر آن می‌نشیند.**

[همچنین از تعبیر **قرآنی «یدالله» برداشت می‌کنند که خدا دست دارد.**] ۶

تکفیر

تکفیر اهل قبله

فلاسفه، باطنیه، اسماعیلیه، شیعه اثناعشری، قدریه و اشاعره از جمله گروه‌هایی هستند که توسط سلفیان تکفیر می‌شوند. [۷]

برخی از چیزهایی که در دیدگاه ابن تیمیه موجب کفر می‌شوند، عبارت‌اند از: واسطه‌قراردادن بین خود و خدا، تشبّه به کفار، مخالفت با

حدیث متواتر و مخالفت با اجماع.[۸] برخی از گروه‌های سلفی جدید که به **سلفیه تکفیری** شهرت دارند، معنا و مصادیق کفر را بسیار گسترش می‌دهند و از تکفیر برای عملیات جهادی جواز می‌گیرند.[۹]

مهم‌ترین جریان‌های سلفی

وهابیت، سازمان اخوان المسلمین و مکتب دیوبندیه از مهم‌ترین جریان‌های مذهبی و اجتماعی سلفیه‌اند

وهابیت

در نیمه دوم سده دوازدهم قمری، محمد بن عبدالوهاب در عربستان با برخورداری از حمایت محمد بن سعود توانست دعوتی را در نقاط مختلف جزیره‌العرب گسترش دهد اندیشه وی بر مبانی فکری ابن تیمیه استوار بود او را از ابن تیمیه هم تندروتر دانسته‌اند. محمد بن عبدالوهاب با نام خرافه‌ستیزی، تعالیم اعتقادی را بسیار تقلیل داد و ذیل عنوان جهاد جمع بزرگی را بسیج کرد، حکومت آل سعود را ایجاد نمود و ضربه سختی بر حکومت عثمانی وارد کرد. [۱۸]

بنابر آموزه‌های وهابی، زیارت قبور و ساخت بنا و مقبره و گنبد بر قبور

حرام و توسل بدعت و مستلزم شرک است. [۱۹]

وهابیان پس از تسلط بر عربستان، آثار به‌جامانده از صدر اسلام را تخریب کردند. تخریب قبور بقیع در سال ۱۲۲۱ق و تخریب حرم امام حسین(ع) و سرقت ضریح و اشیای قیمتی آن و کشتار تعدادی از زائران حرم امام حسین(ع) و اسیر کردن زنان شهر کربلا در سال ۱۲۱۶ق از جمله اقدامات آنان است. [۲۰]

اخوان المسلمین

سازمان اخوان المسلمین جریانی سَلَفی است که توسط حسن البنا در مصر تأسیس شد. حسن البنا پیرو اصلاح طلب پیش از خود رشید رضا بود که از یک سو تحت تأثیر دیدگاه‌های ابن تیمیه و محمد عبده، تفکر سلفی داشت؛ [۲۱] و از سوی دیگر با تأثیرپذیری از سید جمال‌الدین اسدآبادی در راه وحدت مسلمانان تلاش می‌کرد. [۲۲]

حسن البنا در سال ۱۹۲۸م هسته اولیه اخوان المسلمین را با شش نفر از جوانان پیرو خود در مصر تشکیل داد. به زودی این جمعیت شعبه‌های متعددی در شهرهای مختلف مصر، فلسطین، سودان، عراق و سوریه پیدا کرد و او بین پیروانش به عنوان مرشد عام لقب یافت. [۲۳]

مهمترین اهداف اخوان المسلمین تأسیس حکومت اسلامی، اصلاحات اجتماعی و مخالفت با استعمار بر شمرده شده است. [۲۴] در نسل‌های بعد در جمعیت اخوان المسلمین انشعاب پیدا شد و جمعی از جوانان اسلام‌گرای اخوان با الهام از اندیشه‌های سید قطب که ایجاد نظام اسلامی را ضروری می‌دانست، گروه‌های جهادی تشکیل دادند. [۲۵]

دیوبندیه

مکتب سلفی در شبه‌قاره هند توسط شاه ولی الله دهلوی (-۱۱۱۴) [۱۷۶ق] نهادینه شد. [۲۶] او که رساله‌ای در دفاع از ابن تیمیه دارد، [۲۷]

در آثارش اعمالی مثل زیارت قبور، توسّل، استغاثه، نذر و قسم را از
مظاهر شرک شمرده است. [۲۸]

پس از شاه ولی‌الله دهلوی، برخی از شاگردان با واسطه‌اش مدرسه دیوبند
را تأسیس کردند و افکار او را نشر دادند. این مدرسه به‌زودی رونق
گرفت و با جذب دانشجویانی از سراسر هند و دیگر کشورها به
بزرگترین مدرسه علمیه هند مبدل شد. [۲۹]

پس از انقلاب اسلامی ایران، دیوبندیه که از گذشته با شیعه در تقابل
بود، با هدف جلوگیری از شیعه‌شدن اهل سنت پاکستان، انجمن سپاه
صحابه را تشکیل داد. [۳۰]

سلفیان جهادی

بر پایه اعتقادات جریان‌های سلفی دوران معاصر، گروه‌هایی جهادی
شکل گرفتند که برخی آنها را سلفیه جدید می‌خوانند. [۳۱] از نظر

تاریخی، محمد بن عبدالوهاب در وارد شدن مفهوم «شرک» به ادبیات
سلفی نقش اساسی دارد؛ اما عملاً سلفی‌های جدید به علت تقسیم کردن
همه افراد به موحد و مشرک، به سلفی‌های تکفیری معروف
شده‌اند. [۳۲]

گروه‌های تکفیری بخش گسترده‌ای از مسلمانان را کافر و کشتن شان را
واجب می‌دانند و این کار را «جهاد» می‌نامند. [۳۳]

طالبان

طالبان گروهی سلفی و جهادی و تلفیقی از مذهب دیوبندی و قومیت
پشتو است که توانست در افغانستان به قدرت برسد. [۳۴] هسته اصلی
طالبان را مجاهدان حاضر در درگیری‌های افغانستان و شوروی تشکیل
می‌دهند. [۳۵] رهبر و بنیانگذار طالبان ملا محمد عمر بود که در سال
۲۰۱۳م فوت کرد. ملا هبت الله اخوندزاده از ۲۰۱۶م به بعد رهبری
طالبان را به عهده دارد. [۳۶] جمعیت طالبان رهبرشان را خلیفه

می‌شمرند و مخالفان او را یاغی علیه خلیفه و مهدورالدم

می‌دانستند. [۳۷]

طالبان با هرگونه تجددگرایی مخالف‌اند. برای نمونه در ابتدا استفاده از تلویزیون را ممنوع کردند. همچنین اجازه نمی‌دادند دختران به مدرسه بروند. [۳۸] آنها مراکز زیارتی و میراث فرهنگی را با شعار مبارزه با بت‌پرستی تخریب می‌کردند. [۳۹]

القاعده

پس از حمله شوروی به افغانستان گروهی از مسلمانان تندروی عرب، از نقاط مختلف جهان با انگیزه جهاد در این منطقه حضور یافتند. این افراد که به افغان‌های عرب شهرت یافتند، تحت رهبری عبدالله عزام که دیدگاه جهادیان اخوان‌المسلمین را داشت، سازمان یافتند و در بیرون‌راندن شوروی از افغانستان نقش مؤثری ایفا کردند. [۴۰]

پس از جنگ افغانستان و مرگ عبدالله عزام، اسامه بن لادن رهبری این گروه را برعهده گرفت و با تأسیس القاعده از پراکندگی افغان‌عرب‌های مجاهد جلوگیری کرد. او در پی تأسیس جبهه جهانی جهاد برضد یهودیان و صلیبیان برآمد. [۴۱] این گروه در سال‌های بعد، عملیات‌های تروریستی متعددی در کشورهای مختلف جهان انجام دادند که از جمله آنها حملات یازده سپتامبر ۲۰۰۱ در آمریکا است. [۴۲]

داعش

داعش مخفف (الدولة الإسلامية في العراق والشام) گروهی تکفیری است که از القاعده منشعب شده است. این گروه در سال ۲۰۰۶م با عنوان «جماعه التوحید والجهاد» به رهبری ابومصعب زرقاوی در عراق تأسیس شد [۴۳] و به القاعده عراق مشهور بود. سپس بخش‌هایی از عراق و سوریه را اشغال کرد و در سال ۲۰۱۴م «دولت اسلامی در عراق و شام» را تشکیل داد و ابوبکر البغدادی را به عنوان خلیفه معرفی کرد. [۴۴]

داعش جنایات بسیاری را مرتکب شد و شمار بسیاری از افراد غیرنظامی

را به قتل رساند.[۴۵] کشتار افراطی داعش باعث شد حتی ایمن

الظواهری رهبر القاعده به آن معترض شود؛ تا جایی که وی در نهایت

اعلام کرد داعش هیچ ارتباطی با القاعده ندارد(خانم کلینتون وزیر

خارجہ اسبق امریکا اعلام کرد داعش را ما بوجود آورده ایم!).[۴۶]

نگاه سلفیه به شیعه

به گفته برخی از پژوهشگران، از نظر تاریخی، سلفی‌گری دشمن خود را در درون اهل سنت تعریف کرده بود؛ اما **سلفی‌های وهابی**، از ابتدا بر ضد شیعیان اقدام کردند که کشتار عتبات در دوره محمد بن عبدالوهاب نمونه آن است. البته **سلفی‌های غیروهابی مانند اخوان المسلمین**، روابط مناسبی با شیعیان داشتند؛ حتی در مواردی بر ضد اسرائیل با یکدیگر همکاری می‌کردند؛ اما **سلفی‌های جدید**، شیعیان را منحرف می‌دانند. آنها با تأکید بر خطر شیعیان، تلاش می‌کنند همه اهل سنت را بر ضد شیعیان با خود همراه کنند. [۴۷]

پاورقی

1. ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۱۵۸.

- 2..علیزاده موسوی، سلفی گری و وهابیت، ۱۳۹۳ش، ص ۳۲
- 3..ابن قیم جوزیه، اعلام الموقعین، ۱۴۱۱ق، ج ۴، ص ۱۱۵
- 4..ابوزهره، تاریخ المذاهب الاسلامیه، دارالفکرالعربی، ص ۵۲۹
- 5..سوره طه، آیه ۵، ترجمه مشکینی
- 6..علیزاده موسوی، سلفی گری و وهابیت، ۱۳۹۳ش، ص ۶۱-۶۲
- 7..المشعبی، منهج ابن تیمیة فی مسألة التکفیر، ۱۴۱۸ق، ص-۳۵۱
- ۴۶۳؛عاصمی نجدی، الدررالسنية فی الاجوبة النجدية، ، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۲۱۱
- 8..رضوانی، وهابیان تکفیری، ۱۳۹۰ش، ص ۱۲۲-۱۱۴
- 9..علیپور و شعبانی کیا، «سلفی گری از معنا تا برداشت های نادرست مبانی»، ص ۱۶۵
- 10..پاکتچی، هوشنگی، بنیادگرایی و سلفیه، ۱۳۹۳ش، ص ۳۰
- 11.

جبرین، شرح أصول السنة لإمام أحمد بن حنبل، ۴۲۰ق، ج ۱، ص ۳۶

12. ابن- بدران- دمشقى، المدخل الى مذهب الامام احمد بن حنبل،

۴۰۱ق/۱۹۸۱م، ص ۵۳و۵۴

13..پاکتچی و هوشنگى، بنيادگرایی و سلفيه، ۱۳۹۳ش، ص ۷۱و۷۲

14.پاکتچی و هوشنگى، بنيادگرایی و سلفيه، ۱۳۹۳ش، ص ۷۷

15.پاکتچی و هوشنگى، بنيادگرایی و سلفيه، ۱۳۹۳ش، ص ۷۸

16.پاکتچی و هوشنگى، بنيادگرایی و سلفيه، ۱۳۹۳ش، ص ۷۹

17.پاکتچی و هوشنگى، بنيادگرایی و سلفيه، ۱۳۹۳ش، ص ۷۹و ۸۰

18.پاکتچی و هوشنگى، بنيادگرایی و سلفيه، ۱۳۹۳ش، ص ۳۳

19.مغنيه، هذه هي الوهابية، منظمة الاعلام الاسلامى، ص ۷۴تا ۷۶

20.امين، كشف الإرتياب، دارالكتب الاسلامى، ص ۱۵و ۳۳

21.فرمانيان، جريان شناسى فكرى فرهنگى سلفى گرى معاصر،

۱۳۹۶ش، ص ۱۰۸تا ۱۱۰

22. فرمانیان، «سلفیه و تقریب»، ص ۱۴۳ و ۱۴۴

23. «آسایش طلب،» البنا

24. یوسفی اشکوری، «اخوان المسلمین»، ص ۲۷۳ و ۲۷۴

25. یوسفی اشکوری، «اخوان المسلمین»، ص ۲۷۲ و ۲۷۳

26. فرمانیان، جریان‌شناسی فکری فرهنگی سلفی‌گری معاصر،

۱۳۹۶ ش، ص ۷۶ تا ۷۸

27. فرمانیان، جریان‌شناسی فکری فرهنگی سلفی‌گری معاصر،

۱۳۹۶ ش، ص ۷۸

28. ملا موسی میبدی، «بررسی و نقد دیدگاه شاه ولی الله دهلوی در

مسئله شرک»، ص ۱۵۵

29. فرمانیان، جریان‌شناسی فکری فرهنگی سلفی‌گری معاصر،

۱۳۹۶ ش، ص ۸۳

30. فرمانیان، جریان‌شناسی فکری فرهنگی سلفی‌گری معاصر،

۱۳۹۶ ش، ص ۱۰۰

31. پورحسن و سیفی، «تقابل نئوسلفی‌ها با شیعیان و پیامدهای آن بر اتحاد جهان اسلام»، ص ۱۴

31. پورحسن و سیفی، «تقابل نئوسلفی‌ها با شیعیان و پیامدهای آن بر اتحاد جهان اسلام»، ص ۱۷

پورحسن و سیفی، «تقابل نئوسلفی‌ها با شیعیان و
32. پیامدهای آن بر اتحاد جهان اسلام»، ص ۱۷

33. نگاه کنید به پورحسن و سیفی، «تقابل نئوسلفی‌ها با شیعیان و پیامدهای آن بر اتحاد جهان اسلام»، ص ۱۸

34. نحله‌های فکری طالبان؛ از دیوبندیه تا وهابیت»، خبرگزاری رسا، «
۱۵ مهر ۱۳۹۵

35. فرمانیان، تاریخ تفکر سلفی‌گری، ۱۳۹۴ش، ص ۱۰۳

Haibatullah Akhundzada, counterextremism.36

37. فرمانیان، جریان‌شناسی فکری فرهنگی سلفی‌گری معاصر،
۱۳۹۶ش، ص ۱۰۳

38. فرمانیان، جریان‌شناسی فکری فرهنگی سلفی‌گری معاصر،

۱۳۹۶ش، ص ۱۰۳.

39. کریمی حاجی خادمی، مازیار، «تبارشناسی جریان‌های تکفیری:

بررسی موردی جنبش طالبان در افغانستان»، ص ۱۹.

40. نگاه کنید به فرمانیان، جریان‌شناسی فکری فرهنگی سلفی‌گری

معاصر، ۱۳۹۶ش، ص ۱۵۸ تا ۱۶۲.

41. نگاه کنید به فرمانیان، جریان‌شناسی فکری فرهنگی سلفی‌گری

معاصر، ۱۳۹۶ش، ص ۱۶۲ تا ۱۷۲.

42. فرمانیان، جریان‌شناسی فکری فرهنگی سلفی‌گری معاصر،

۱۳۹۶ش، ص ۱۷۲ تا ۱۷۴.

43. کرمی، سلفی‌گری و خاورمیانه عربی، ۱۳۹۳ش، ص ۲۶ تا ۲۹.

44. داعش اعلام خلافت کرد، بولتن نیوز، ۹ تیر ۱۳۹۳.

45. جنایات داعش: روز شمار ۸۳ جنایت داعش در سراسر جهان،

پایگاه اطلاع رسانی پیام آفتاب، ۱۵ تیر ۱۳۹۶.

فیروزآبادی، تکفیری‌های داعش را بهتر بشناسیم، ۱۳۹۳ش، ص ۵۵

47. پورحسن و سیفی، «تقابل نئوسلفی‌ها با شیعیان و پیامدهای آن بر

اتحاد جهان اسلام»، ص ۱۸ تا ۲۰

چرا گروه‌ها و جریانات مختلف در حوزه سلفی‌گری داریم؟ چرا یکی خود را اخوانی نامیده، دیگری السهوه‌ای و گروهی بنام النصره فعالیت می‌کند؟ چرا یک گروه سلفی بنام بوکوحرام وجود دارد و یک گروه با نام حرکه النهضه به فعالیت می‌پردازند؟ سؤال اصلی اینجاست که چرا در سلفی‌گری گروه‌های متنوعی وجود دارند و علت آن چیست؟ برای

مقدمه ی این بحث ابتدا لازم است به سه دلیل اصلی اختلاف میان این گروه ها پرداخته و سپس به چند نحله از آنان پردازیم.

اولا این گروه ها اختلاف در مبانی و اعتقادات (یکی الگوی حکومت خود را به قرآن ارجاع میدهد و دیگری به سیره خلفا راشدین ارجاع می دهد و شاید گروهی دیگر به شورا گرایی تاکید کند) دارند. دوما آنان اختلاف در مسائل (مانند تفاوت حکومت اسلامی در خلافت و عمارت) را میان خود مطرح می کنند. سوم در روش و شیوه های مبارزه (کسی قائل به تبلیغ و دیگری قائل به جهاد است) اختلاف دارند. با این مقدمه به بررسی شش نوع از گروه های سلفی خواهیم پرداخت.

سلفی های تکفیری

یکی از نحله های سلفیسم رادیکال، **سلفی ها تکفیری** می باشند. گروهی از سلفیان هستند که مخالفان خود را به آسانی کافر شمارده و آن ها را

تکفیر می کنند. میان ایمان و عمل معتقد به تلازم هستند، یعنی اگر شخصی ایمان به خدا داشته و مرتکب گناه کبیره شود بنابراین این شخص از دین اسلام خارج شده و کافر به حساب می آید. سابقه این تفکر به خوارج در اسلام برمی گردد که در آن دوران خوارج، اشخاصی را که مرتکب گناه کبیره می شده اند، واجب القتل می دانستند. دلیل به شهادت رساندن حضرت علی همین مساله بود چرا که می گفتند ایشان حکمیت را پذیرفته و واجب القتل می باشند. جریانات مربوط به داعش و النصره و بوکوحرام و القاعده ای ها و وهابیت دیدگاه اینچنینی داشته و معتقدند مسلمانان به دلیل انجام برخی کارها، واجب القتل می باشند. پس این جریان ابتدا تکفیر می کنند و سپس واجب القتل می دانند. عمده ی جنگ های این نوع تفکرات با مسلمانان و بخصوص با شیعیان بوده است.

گروه های تکفیری در عراق در اوایل حمله آمریکا به این کشور معتقد بودند که با چهار گروه در جنگ هستند. اول صلیبیون که همان اشغالگران غربی که نیرو به عراق فرستاده بودند. دوم رافضیون که

همان شیعیان عراق می باشند که گروه های تکفیری عراق آن ها را هم تکفیر می کردند. سوم صفویون که به شیعیان ایرانی مقیم عراق و کسانی که در ایران هستند می گویند که از نظر آنان کافر می باشند. چهارم مرتدین که اهل سنت عراق می باشند و با دولت شیعی عراق همکاری می کنند. بنابراین مفتیان گروه های تکفیری بر علیه 4 گروه فوق الذکر فتوای تکفیر و سپس جهاد بر علیه آنان داده اند. فتوای تخریب قبر شیعیان و امامین عسکرین و نظایر آن از سوی همین مفتیان تکفیری و بر اساس دسته بندی اندیشه های فوق صادر شد.

سلفی های جهادی

این گروه برای خود اعتباری قائل بوده و اندیشه های خود را ریشه در متفکران مصری نظیر سید قطب می دانند. این فرد در آثار خود مفاصد دوره معاصر را برشمارده و دنیای امروز را دنیای جاهلی دانسته و متأثر از ابوالاعلی مودودی پاکستانی است. او می گوید هر جامعه ای که

اسلامی نباشد جاهلی است و در کتاب ((معالم فی الطريق))، این اندیشه را بیان کرده و حاکمان مستقر در این کشورها را غیرمشروع می داند و بر این باور است باید در این سرزمین ها رژیم های اینچنینی از طریق جهاد سرنگون گردند. مثلا اخوان المسلمین در مصر برگرفته از اندیشه های سید قطب، بسیار مواضع رادیکالی را در برابر دولت مصر اخذ کرده بود. همینطور **گروه جماعت اسلامی مصر که نگاه تندى به ایران هم دارد.** آنان در کتاب ((فریضه الغائبه)) نوشته عبدالسلام فرج، واجب فراموش شده را جهاد دانسته و ریشه های ترور انور سادات را هم میتوان در همین اندیشه ها قرار داد.

سلفی های تبلیغی

سلفیان تبلیغی دقیقا در برابر سلفیان تکفیری قرار دارند. محور فعالیت آنان تبلیغ مبانی اندیشه های سلفی از طریق شبکه های ماهواره ای و مجازی و اینترنت است و سعی در جهانی کردن گفتمان سلفی دارند.

هرچند این گروه نگاه مثبتی به تکنولوژی ندارد اما با ابزاری نگریستن اینترنت و ابعاد تبلیغاتی آن، مقاصد خود را پیش می برند. این گروه در ظاهر نسبت به سلفیان تکفیری و جهادی روش های مسلحانه را کمتر پشتیبانی و تایید می کند. مهمترین فعالیت آنان ترویج مبانی سلفی گری و شبهه افکنی می باشد. مثلا شبکه جماعت تبلیغ با بیش از صد شعبه در جای جای جهان، می کوشد تا بگوید تفکرات سلفی گری بر حق است.

سلفی های سیاسی

تعریف سلفی گری سیاسی بخاطر اهداف اعتقادی آنان کمی دشوار است. سلفی سیاسی نوعی سلفی گری است که با وجود داشتن اهداف اعتقادی بیشتر در پی دستیابی به قدرت سیاسی می باشد. غربی ها در تعاریف خود هرگونه ارتباط میان دین و دولت را تفکر سلفی گری می دانند و در تعریف آنان تفاوتی میان شیعه و سنی نیست. مثلا جماعت

اسلامی پاکستان بر گرفته از اندیشه های مودودی، از منظر غرب یک گروه سلفی سیاسی است. این گروه ها مقدمه ی ترویج تفکر خود را، به قدرت رسیدن می دانند و بر این باورند پس از به قدرت رسیدن راحت تر می توانند تفکرات خود را در یک جامعه بگسترانند. این گروه ها همانند حزب جماعت العلما در پاکستان با نگاه ابزاری به روش های دموکراتیک و دیپلماتیک بدنبال رسیدن به اهداف خود می باشند.

سلفی های اصلاحی یا تنویری

این گروه در واکنش به جریانات رادیکال تر شکل گرفته و سؤال اصلی این گروه علل عقب ماندگی کشورهای اسلامی است. این گروه در پاسخ به این سؤال، فراموشی میراث اسلامی و عمل نکردن به احکام اسلامی را

دلیل اصلی عقب ماندگی در کشورهای اسلامی میدانند. هدف این گروه تقریب و تقریب گرایی و همگرایی در کشورهای اسلامی است که آنان به مصلحین هم معروف شده اند. مقصود آنان از سلف، بازگشت به اصول و فرامین اسلام که در کتاب و سنت قید گردیده می باشد. رگه هایی از عقلانیت را می توان در این گروه نسبت به گروه های دیگر سلفی مشاهده کرد.

سلفی های صوفی

این عنوان خود دارای تضاد است چرا که در کنار تفکرات سلفی گری به صوفی مسلکی هم گرایش دارند. این گروه ها را می توان در شمال شرق آفریقا یا در شبه قاره هند یا در آسیای مرکزی و قفقاز دید. آن ها پیروی تام از شریعت و مخالفت با تشیع را در اندیشه های خود دارند.

مکاتب سلفی گری

مکاتب سلفی گرایی را در سه دسته می توان بررسی کرد. **مکتب سروریه، مکتب جامیه و مکتب جهادیه** از انواع آن ها می باشند که در ادامه بصورت مختصر اشاراتی به آن خواهد شد.

مکتب سروریه، از اندیشه های محمد سرور زین العابدین السوری است که اصالت سوری دارد. سروریه در عربستان و برخی کشورهای عربی وجود دارد که اندیشه ای بین وهابیت و رادیکال و دیدگاه های سید قطب را جمع بندی و ارائه کرده است. این مکتب در ظاهر به نظر کمی معتدل می آید اما مستعد جهادی شدن هستند. آن ها در تلاشند بین سید قطب مصری و مودودی پاکستانی از یک طرف و ادبیات وهابیت عربستانی اندیشه هایی را در کنار هم جمع کنند. این مکتب می خواهد با این ادبیات، نظام سیاسی کشورها را درک کند، بنابراین آن ها در عین حال که معتقدند باید در شرایط عادی از حاکمان مشهور اطاعت کرد ولی

از طرفی براین باورند اگر شرایط ملتهب بود آمادگی جهادی شدن را خواهند داشت که این موضوع به نوعی پارادوکسیکال محسوب می گردد. باید گفت ایده و آرمان آن ها تشکیل حکومت مشروع می باشد

مکتب جامیه، متأثر از شخصی بنام محمد امان الله الجامی است که فقه جامیه منسوب به ایشان بوده و آنان وابسته به عربستان سعودی می باشند. آغاز این مکتب به زمان حمله صدام به کویت و همچنین تهدید عربستان سعودی برمی گردد که از این مرحله به بعد روش حمایت جلب قدرت بزرگ غیرمسلمان را برای مقابله با حاکمان مسلمان یاغی پیش رو می گیرد. درواقع رفتارهای سیاست داخلی و خارجی عربستان را این نوع نگرش توجیه می کند و اطاعت از امر حاکم را مهم شمرده و توجیه شرعی بر آن قائل هستند. نیروهای سنتی این نوع نگرش را سلطه غیرمسلمان بر مسلمان می دانند

مکتب جهادیه، تمامی گروه هایی که رویکرد جهادی دارند در ذیل این مکتب بوده که مخالف مکتب جامی ها هستند.. القاعده بن لادنی و طالبان و داعش یک چنین نگرشی دارند که در سوریه و عراق این نوع مکتب بیشتر مشاهده می شود

از پیامدهای سلفی گرایی در دوره کنونی این است که سلسله مراتب رهبران سنتی در حال تضعیف می باشد. طبق تفکر سنتی اهل سنت، رهبران مکاتب مرجع تصمیم گیری محسوب می شدند اما در مکاتب جدید جوانان مسلمان و آن هایی که گرایشات تند و رادیکال دارند، بر این عقیده اند که مستقیماً به نص و ظاهر قرآن مراجعه کرده و مرجعیت مفتی های خود را قبول ندارند که همین امر سبب رادیکال شدن و خشونت در اندیشه می گردد و در صدد از بین بردن مسئله مفتی و مقلد می باشند

سروری ها و جهادی ها راه خود را از جامی ها بر اساس آیه نفی سبیل جدا کردند و نظام سیاسی عربستان به شدت آن ها را سرکوب و بخشی از آنان که با سیاست های حاکم عربستان در آن وقت موافق نبودند بعنوان القاعده ظاهر شدند و عده ای هم از طریق مکتب جامیه ساکت مانده و از سیاست های حاکم عربستان حمایت کردند. بنابراین جریان جدید در واقع برای امر حاکم اولویت قائل بوده و کشورهای حوزه خلیج فارس تحت این اندیشه در عربستان می باشند.

جمع بندی

سلفیان تکفیری می گویند اگر شخصی ایمان به خدا داشته و مرتکب گناه کبیره شود از دین اسلام خارج شده و کافر به حساب می آید.

سلفیان جهادی هر جامعه ای را که اسلامی نباشد جاهلی دانسته و حاکمان مستقر در این کشورها را غیرمشروع می داند. سلفیان تبلیغی دقیقا در برابر سلفیان تکفیری قرار دارند. محور فعالیت آنان تبلیغ مبانی اندیشه های سلفی از طریق شبکه های ماهواره ای و مجازی و اینترنت است و سعی در جهانی کردن گفتمان سلفی دارند. سلفی سیاسی نوعی سلفی گری است که با وجود داشتن اهداف اعتقادی بیشتر در پی دستیابی به قدرت سیاسی می باشد. سلفیان اصلاحی یا تنویری تقریب گرایی و همگرایی در کشورهای اسلامی را دنبال می کنند که به مصلحین هم معروف شده اند. سلفی های صوفی پیروی تام از شریعت و مخالفت با تشیع را در اندیشه های خود دارند

اختلافات آنان اولاً در مبانی و اعتقادات (یکی الگوی حکومت خود را به قرآن ارجاع میدهد و دیگری به سیره ی خلفا راشدین ارجاع می دهد و شاید گروهی دیگر به شورا گرایی تاکید کند) دارند، دوما در مسائل (مانند تفاوت حکومت اسلامی در خلافت و عمارت) و سوما در

روش و شیوه های مبارزه (کسی قائل به تبلیغ و دیگری قائل به جهاد
است) می باشد.^۱

با سپاس از راهنمایی پژوهشی جناب آقای دکتر خراسانی، استاد دانشگاه شهید بهشتی و تحلیلگر روابط بین الملل^۱

نویسنده: سید محمود کمال آرا (زکریا) – پژوهشگر روابط بین

الملل (<https://atna.atu.ac.ir/fa/news/304477/%D8%A7%D8%AE%D8%AA%D9%84%D8%A7%D9%81-%D8%AF%D8%B1-%D8%B3%D9%84%D9%81%DB%8C-%DA%AF%D8%B1%DB%8C-%D8%A8%D8%A7-%D8%AA%DA%A9%D9%81%DB%8C%D8%B1-%D8%AA%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%BA-%D9%88-%D8%AC%D9%87%D8%A7%D8%AF>)

درباره جنایتهای داعش:

۲

هم‌زمان با سیطره داعش بر استان موصل عراق در سال ۲۰۱۴^۲ وحشی‌گری‌های آن نیز آغاز شد. این گروه تکفیری در آن زمان شروع به انتشار تصاویری از کشتار هزاران دانشجوی دانشکده نیروی هوایی در پایگاه هوایی اسپایکر در تکریت و سربریدن‌ها و اعدام‌های ۱۵۰ دسته‌جمعی و دفن اجساد در دجله و یا در قبرهای دسته‌جمعی کرد قتل‌عام در قبیله شعیطات در حومه دیرالزور که تعداد قربانیان آن به صدها نفر می‌رسید از جمله جنایت‌های وحشتناک بود که در آن، عناصر تکفیری داعش، صدها نفر از جوانان این قبیله را به بیابان برده آن‌ها را به‌شکل دسته‌جمعی اعدام کردند.

جنایت‌های داعش در موصل متوقف نشده و با ارباب مسیحیان این شهر و تصرف اموال و عبادت‌گاه‌های آن‌ها و آواره کردن حدود ۴ هزار

خانواده مسیحی ادامه یافت که این حجم از آوارگی از زمان مهاجرت مسیحیان به عراق بی سابقه بود

پس از مسیحیان موصل نوبت به ایزدی‌ها رسید که به کوه‌های سنجار آواره شوند و زنان آن‌ها را برای فروش به بازارهای نینوا ببرند. قابل توجه است که زنان ایزدی داستان‌های وحشتناکی از زمان اسارت خود در دست عناصر داعشی تعریف می‌کنند

تجاوزات علنی و غیرانسانی داعش با اقدام عناصر تکفیری آن در تجاوز به زنان عراقی که تعداد آن‌ها معلوم نیست کنار به خدمت گرفتن هزاران کودک زیر ۱۳ سال و آموزش آنها، کامل شد

این گروه تکفیری کشتارهای ناشناخته و بی سابقه‌ای در تاریخ بشریت ترتیب داده و ابزار جدیدی برای شکنجه و اعدام به کار برده است

سربردن، معروف‌ترین روش داعشی‌ها است تاجایی که «شعار ما آمده‌ایم تا سر ببریم» را سر داده و ویدئوهای زیادی از این اقدامات خود منتشر کرده‌اند که از جمله بارزترین آن‌ها سر بردن مصریان ربوده شده در لیبی است

سوزاندن نیز یکی دیگر از روش‌های متعدد داعشی‌ها است که در اجرای آن تبحر زیادی دارند. قابل توجه است که اولین و بارزترین مورد این روش وحشتناک، سوزاندن یک خلبان اردنی به نام معاذ الکساسبه بود که خانواده وی پس از سقوط هواپیمای او در دسامبر ۲۰۱۴ در سوریه، به اسارت داعش درآمد. همچنین عناصر تکفیری داعش، یک خلبان سوری به نام عزام عید را نیز سوزانده و صحنه‌های این جنایت غیرانسانی خود را به مدت ۵۸ دقیقه منتشر کردند.

کشتار با پرتاب‌کننده‌های موشکی روش دیگر داعشی‌ها در کشتار قربانیان بود؛ به گونه‌ای که آن‌ها را در یک خودرو قرار داده و پرتابه‌های موشکی را به سمت آن‌ها پرتاب می‌کردند. لازم به ذکر است که این روش، با منفجر کردن که توسط مواد منفجره صورت می‌گیرد فرق دارد. همچنین از جمله عملیات‌های بارز انفجاری آن‌ها به این ترتیب بود که گردن‌های گروهی از گروگان‌ها را به یک سیم انفجاری می‌بستند و پس از انفجار، سرهای آنان در یک لحظه پرتاب می‌شد.

همچنین اعدام با غرق کردن نیز یکی از روش‌هایی بود که داعش برای ترساندن دشمنان خود از آن استفاده می‌کرد. غرق کردن قربانیان به این صورت بود که گروهی از گروگان‌ها را وارد قفس کرده و سپس

آنها را در استخر می انداخت؛ مانند اتفاقی که برای گروهی از قربانیان در عراق افتاد.

داعشی ها عملیات های تروریستی خود را در حومه رقه با شلیک مستقیم گلوله به قلب مردم انجام می دادند.

باید اشاره کنیم که جنایت های غیر انسانی داعش تنها منحصر به سوریه و عراق نمی شود؛ بلکه عناصر آن، عملیات های تروریستی زیادی در کشورهای مختلف جهان ترتیب می دادند. از جمله بارزترین این عملیات ها، انفجار دو هتل در روز عید پاک در سریلانکا بود که منجر به کشته شدن ۳۲۰ نفر شد، علاوه بر این داعشی ها چندین عملیات تروریستی در شهرهای اروپایی ترتیب دادند که معروف ترین آن عملیات های پی در پی در فرانسه بود.

تجاوزات رسواکننده داعش ضد بشریت تنها محدود به کشتار و اسیر کردن نبود؛ بلکه یک خطر جدی برای میراث فرهنگی منطقه به وجود آورد، در همین راستا باید اشاره کنیم که پس از اشغال عراق توسط آمریکایی ها و سرقت از موزه های این کشور، عناصر تکفیری داعش به تندیس ها و بناهای مذهبی و گورستان های موصل حمله و تعداد قابل توجهی از مراکز باستانی را ویران کردند. داعشی ها حرم های

ایزدی‌ها در غرب موصل و حرم یونس پیامبر و شیث پیامبر در موصل را
نیز بمباران کردند.



ابن تیمیه کیست؟

احمد بن عبدالحلیم بن تیمیّه حنبلی «متولّد سال 661 و متوفای سال 728 هجری قمری است. در شهر «حران» (شهری است در شام) متولّد شد و به سبب ظلم تاتار، در کودکی همراه با خانواده اش «حران» را به سمت «دمشق» ترک کرد.

او که حنبلی مسلک بود در صدد ترویج مذهب حنابله برآمد و مانند حنابله علم کلام را مردود دانست و متکلمان را اهل بدعت شمرد! در مسأله صفات خدا مانند حنابله الفاظ صفات پروردگار را که در نصوص آمده بدون هرگونه تفسیر پذیرفت و به طور کلی هرگونه «عقل گرایی» را محکوم کرد. او علاوه بر حمایت از روش و عقاید اهل حدیث، عقاید جدیدی را نیز اضافه کرد که قبل از او سابقه نداشت.

برای مثال او سفر کردن به قصد زیارت قبر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و تبرک جستن به قبر او و توسّل به اهل بیت پیامبر (علیهم السلام) را شرک دانست! و فضایل اهل بیت (علیهم السلام) را که در صحاح اهل سنت و حتی در مسند امامش «احمد بن حنبل» وجود داشت، انکار کرد و

تلاش می کرد تا مانند بنی امیه، شأن و مقام امام علی (علیه السلام) و

فرزندانش را پایین آورد

اما دعوت ابن تیمیه از سوی علمای اهل سنت مورد پذیرش قرار نگرفت و جز برخی از شاگردانش همچون «ابن القیم»، دیگر بزرگان اهل سنت با او مخالفت کردند و کتاب های متعددی در ردّ او و بدعت هایش نگاشتند. از جمله «ذهبی» از علمای هم عصر او نامه ای به او نوشت و او را مورد نکوهش قرار داد، و تسلیم در برابر احادیث صحیح را از او خواستار شد.

ذهبی «خطاب به او می نویسد: «حال که در دهه هفتاد از عمر خود « هستی، و رحلت از این عالم نزدیک است آیا وقت آن نرسیده است که «توبه و انابه کنی؟»

در مصر نیز قاضی القضاات فرقه های چهارگانه اهل سنت آرای ابن تیمیه را غلط و بدعت اعلام کرد.

ولی در قرن دوازدهم، محمد بن عبدالوهاب ظهور کرد و از افکار ابن تیمیه حمایت نمود و از میان عقاید او بیش از همه بر همان عقاید جدیدش تأکید کرد.

علاوه بر عقاید فوق، ابن تیمیه دارای عقاید خاص دیگری نیز بود. او در سال 698 آشکارا در بحث های داغ اعتقادی داخل می شد و با مخالفین

خودش به مناظره می پرداخت، از جمله عقاید و رفتار او می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- 1- حدود شرعیّه را خودش اقامه می کرد
- 2- موی سر کودکان را از ته می تراشید
- 3- با کسانی که مخالف عقیده او بودند آماده پیکار بود
- 4- از ارائه دادن نذور، مردم را نهی می کرد
- 5- به امکان رؤیت حسی خداوند اعتقاد داشت
- 6- در مورد خوارج عقیده داشت که: «الْخَوَارِجُ مَعَ مُرُوقِهِمْ مِنَ الدِّينِ فَهُمْ أَصْدَقُ النَّاسِ»؛ (با این که خوارج از دین خارج شدند راستگوترین مردم (!) بودند).

از کارهای مثبت او این بود که در سال 702 بر ضدّ مغول اقدامات خوبی از خود ارائه داد.

علامه امینی بعد از آن که کلام ابن تیمیّه را در ردّ «حدیث آغاز دعوت پیامبر (صلی الله علیه وآله)» «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ...» نقل می کند که او سند حدیث مزبور را صحیح نمی داند، می گوید: «از او این سخن عجیب نیست زیرا او فرد متعصبی است که بر انکار ضروریات و تکفیر مسلمین و به خصوص انکار آن چه مربوط به فضایل اهل بیت (علیهم السلام) است اصرار دارد» (1) و در جای دیگر می افزاید: «لذلك عاد

غرضاً لنبال الجرح من فطاحل علماء اهل السنّة منذ ظهرت مخاريقه و إلى هذا اليوم و حسبك قول الشوكاني في البدر الطالع ج 2 ص 260 : صرّح محمّد البخاری الحنفی المتوفی 841 بتبديعه ثمّ تكفيره ثمّ صار یصرح فی مجلسه : انّ من أطلق القول علی ابن تیمیّه: أنّه شیخ الاسلام، فهو بهذا الاطلاق كافر ؛ به همین دلیل او همواره هدف تیرهای انتقاد از سوی علمای بزرگ اهل سنّت واقع شد، از جمله «شوکانی» از محمّد بخاری حنفی نقل می کند که او را تکفیر کرده و گفته است : هر کس ابن تیمیّه (را شیخ الاسلام بخواند، کافر است!)». (2)

از مدافعان سرسخت ابن تیمیّه می توان از «ابن کثیر» مؤلف کتاب «البدایه و النهایه» (متوفای 744) را نام برد که در سراسر کتاب خود به هر مناسبتی از ابن تیمیّه دفاع کرده و او را ستوده است.

از علمای معاصر ابن تیمیّه که از او دفاع کرده و به سبب این کار مورد نفرت جامعه خود قرار گرفت، محدّث مشهور «ابوالحجّاج مزی» صاحب کتاب «تهذیب الکمال» است که در سال 742 در گذشته است.

دیگر از شاگردان ابن تیمیّه، «احمد بن محمّد مری لبللی» حنبلی است که به گفته ابن حجر نخست مخالف ابن تیمیّه بود ولی پس از ملاقات با او از دوستان و شاگردان او گردید و مصنّفات او را نوشت و در طرفداری از او پافشاری کرد و در ردّ مسأله سفر برای زیارت از او دفاع کرد، سرانجام

«اخنایی» قاضی مالکی او را احضار کرد و آنقدر زد تا بدنش خونین شد و سپس دستور داد او را وارونه سوار قاطر کردند و در شهر گرداندند، تا تحقیر شود.

بزرگ ترین شاگرد و مدافع سرسخت ابن تیمیّه بی شک «ابن القيم الجوزیه» است که در همه اقوال و عقاید تابع و حامی بی چون و چرای او بود و نشر و بسط عقاید ابن تیمیّه را در زمان حیات و پس از مرگ او بر عهده داشت و بارها با وی به زندان رفت و به همین سبب او را تازیانه زدند و سوار بر شتر در شهر گرداندند و با ابن تیمیّه در قلعه دمشق (زندان کردند). (3)

پی نوشت:

(1).
الغدیر، جلد 2، صفحه 280 . (2) . الغدیر، جلد 1، صفحه 247، (پاورقی). (3). گرد آوری از کتاب: وهّابیت بر سر دو راهی، حضرت آیت الله مکارم شیرازی، ص 76